

کابل - 21 جوزا 1391 (10 جون 2012)

رئیس جمهور کرزی؛ عملیات ناتو و تلفات ملکی

محمد اکرام اندیشمند

تلفات غیر نظامیان در لوگر؛ تجاوز خارجی:

آخرین تلفات ملکی ناشی از عملیات نظامی ناتو روز هفدهم جوزای 1391 خورشیدی در بره کی پرک لوگر بوقوع پیوست؛ هرچند در این عملیات هشت نفر از طالبان حتی به تأیید مردم محل نیز کشته شدند. رئیس جمهور که در جلسه شانکهای چین بود با تعیین یک کمسیون بررسی و کوتاه سازی زمان سفر و تقبیح این عملیات به شدت واکنش نشان داد. او پس از بازگشت در نشست فوق العاده با اعضای کمسیون حقیقت یاب و در جمعی خانواده های قربانیان دوام عملیات ناتو را که به تلفات ملکی بینجامد تجاوز خواند. سخنگوی ریاست جمهوری تصمیم دولت افغانستان را مبتنی بر مطالبه ی جدی از ایالات متحده امریکا در قطع عملیات های یک جانبه به رسانه ها توضیح داد و ادامه چنین عملیات را مغایر توافقات دوجانبه با امریکا و تجاوز برخاک افغانستان گفت. اما نه رئیس جمهور و نه سخنگوی وی از واکنش بعدی در برابر انجام چنین تجاوزی که احتمالش بسیار خواهد بود سخن نگفتند. نکته ی دیگری را که آنها ناگفته گذاشتند به وجود طالبان در میان اهالی و غیر نظامیان بر میگردد. رئیس جمهور کرزی نه این بار و نه بارهای دیگر که با قربانیان ملکی حملات نیروهای ناتو همدردی و همراهی نشان داد که باید چنین میکرد، از همان بازماندگان قربانیان نپرسید که طالبان در میان آنها چه میکردند؟

قربانیان غیر نظامیان قندهار، تجاوز که ؟

تلفات غیر نظامیان در قندهار ناشی از حملات انتحاری طالبان با تلفات افراد ملکی لوگر توسط بمباران قوای ناتو همزمانی داشت که هر دو عملیات بروز هفدهم جوزا بوقوع پیوست. شمار تلفات غیر نظامیان قندهار بیشتر از تلفات مردم ملکی لوگر بود. در قندهار هفتادو نفر کشته و زخمی شدند. سخنگوی والی قندهار تمام قربانیان دو حمله ی انتحاری طالبان را که پی در پی صورت گرفت افراد ملکی خواند. طالبان نیز مسئولیت این حملات را به عهده گرفتند. اما نه مقام های محلی قندهار و نه ریاست جمهوری در پایتخت و سخنگوی رئیس جمهور توضیح ندادند که خون های ریخته شده ی غیر نظامیان قندهار محصول تجاوز کیست؟ هیچ خانواده ای از قربانیان قندهار چون خانواده های قربانیان لوگر به دفتر والی و کاخ رئیس جمهور حضور نیافتند تا داد خونخواهی کنند و از قباح و جنایت خون ریزان سخن بگویند.

ناگزیری ها و محدودیت های رئیس جمهور:

واکنش و حساسیت شدید رئیس جمهور کرزی از تلفات ملکی حملات ناتو تنها به موقعیت و مسئولیت وی در رهبری دولت افغانستان خلاصه نمیشود. تلفات غیرنظامیان که بیشتر در مناطق جنوب و شرق و در میان جامعه ی روستایی پشتون رخ میدهد پایگاه اجتماعی وی را در این مناطق که بسیار متزلزل و آسیب پذیر است، متضرر میسازد.

فلسفه گزینش حامد کرزی در رهبری دولت افغانستان پس از توافقات بن در دسمبر سال 2001 عیسوی در واقع توسط کشورهای غربی برهبری ایالات متحده امریکا به تعلقات قومی موصوف و نقش احتمالی وی در جامعه پشتون برمینگشت. تلفات ملکی ناشی از حملات ناتو نقش و موقعیت رئیس جمهور کرزی را در میان پشتونها نابود میکند. در حالی که کرزی به سختی و با مهارت بسیار زیاد قدرت نامتمرکز و در واقع متلاشی شده را که باری انورالحق احدی از آن در نشریه مطالعات آسیایی در 7 جولای 1995 زوال پشتونها تعبیر کرد، دوباره برهبری خودش برگشتاند. هر چند کرزی در ایفای آن نقشی که غربی ها برای وی در جهت آرام ساختن جامعه پشتون به خصوص جامعه قبایلی و روستایی آنها و قطع رابطه و حمایت از طالبان و القاعده مدنظر گرفته بودند چندان مؤفق نبود. ناتوانی رئیس جمهور کرزی در این امر به مؤلفه های مختلفی بر میگشت و برمیکرد؛ از ناتوانی در ایجاد مدیریت و رهبری مؤفق و حکومت داری خوب تا موانع ناشی از حضور نیروهای امریکا و ناتو و زمینه های نامساعد اجتماعی و فرهنگی در داخل کشور و تا دخالت پاکستان و تصفیه حساب های رقابت ها و خصومت های منطقه ای در میدان افغانستان و غیره. اما رئیس جمهور کرزی برای آرام نگهداشتن و آماده سازی ذهنیت های اجتماعی در میان قبایل جنوب و شرق کشور تمام انگشتان خود را بسوی خارجی های غربی حامی خود و دولتش نشانه می گیرد. او با این نشانه گیری، تلفات ملکی عملیات نظامی نیروهای غربی را در رأس تمام دشواریهای رهبری دولت و کشور برجسته میسازد.

پیامدهای ناگوار و دشواریهای آینده:

شواهد و واقعیت های جاری در افغانستان نشان میدهد که حساسیت بسیار شدید رئیس جمهور کرزی در مورد تلفات ملکی ناشی از عملیات نظامیان غربی ذهنیت طالبان و جوامع روستایی و قبیله یی همسو با طالبان را در پذیرش مطالبات وی قانع نمیسازد. اما تبعات این سیاست برای دولت افغانستان و نیروهای نظامی و امنیتی کشور در هردو صورت ماندن و رفتن رئیس جمهور کرزی از مسند رهبری دولت بسیار ناگوار خواهد بود. جنگ طالبان به عنوان یک گروه افراطی تکفیر گرا و ابزار دست استخبارات نظامی پاکستان و متحدان منطقه ای اش پس از خروج نیروهای غربی ادامه خواهد یافت. دشواریهای ارتش و نیروهای امنیت افغانستان در این جنگ بیشتر از مشکلات امروز نیروهای ناتو خواهد بود. جنگ با طالبان در روستا ها قربانی های بسیاری خواهد داشت. دولت و ارتش افغانستان در این جنگ علی رغم عدم حضور نیروهای ناتو و امریکا، سالهای طولانی محتاج کمک های مالی و

نظامی امریکایی ها و غرب باقی میماند. مسلم است که هر گونه تلفات غیر نظامی توسط عملیات نیروهای نظامی افغانستان از سوی مخالفان دولت به این کمک ها پیوند داده میشود. شاید فشار رئیس جمهور کرزی به نیروهای غربی بر سر تلفات غیرنظامیان به توقف عملیات نظامی یا خروج قوای غربی بیانجامد، اما وقوع چنین تلفاتی در جنگ نیروهای دولت افغانستان با طالبان به چه می انجامد؟ به خروج ارتش افغانستان از افغانستان و یا به تسلیمی دولت به طالبان و القاعده؟

ممکن است رئیس جمهور پاسخ درست و بهتری به این پرسش ها داشته باشند، اما زمانیکه بازماندگان عملیات غربی ها را در داخل ارگ و در کنار خود می نشاند از آنها بپرسد که طالبان در میان شما میکردند؟